

بانوان بسیجی مسجد پنج تن^(۴) بارها از اجتماعکنندگان پذیرایی کرده‌اند

ما هم یک گوشه کار را می‌گیریم

عیدگاه

بانوانی است که در تهیه ساندویچ نذری برای تجمع همکاری می‌کند. او می‌گوید: یک بار که قرار بود پوره سبب زمینی درست کنیم، مسئولیت کار با من بود. پانزده نفر بودیم و با همکاری هم از ۱۰ صبح تا ۹ شب در مسجد کار پخت و پز و ساندویچ درست کردن را به عهده داشتیم. زن‌های محله دور هم جمع می‌شوند و وقتشان با آشپزی، گپ و گفت و ذکر صلوات و... می‌گذرد؛ دوست دارم من هم کاری کنم و به قولی یک سرکار را گرفته باشم.»

● مردم هوای هم را دارند

سحر ملایی یکی از ساکنان خیابان رودکی است که بیشتر شب‌ها همراه دخترش، نازنین و همسرش به تجمع می‌رود. او معمولاً با خودش ساندویچ کوچکی از خانه برمی‌دارد؛ چون دخترش کم غذا می‌خورد و زود گرسنه می‌شود. ملایی می‌گوید: هفته پیش، کیسه خوراکی دخترم در خانه جا ماند. برای همسرم کاری پیش آمد و او مجبور شد من و دخترم را برای نیم ساعتی تنها بگذارد. غافل از اینکه نه کلید داشتم و نه تلفن همراه. حتی با خود کارت بانکی یا پول برنداشته بودم.

چند دقیقه از رفتن همسرم نگذشته بود که نازنین شروع کرد به جیغ کشیدن. فهمیدم گرسنه است. یکی از خانم‌های بسیجی رفت و با دو ساندویچ پوره سبب زمینی برگشت. دخترم ساندویچ را روی هوا قاپید و بعد از خوردنش به خواب رفت. خانم ملایی می‌گوید: خدا به باعث و بانی اش خیر بدهد.

نتیجه رسیدند که هر بار پول جور شد، هشتصد پرس ساندویچ آماده کرده و بین حاضران در تجمع توزیع کنند. بانوان محله از ابتدای سال جاری این طرح را اجرا کردند و تا حالا چهار بار برای جمعیت هشتصد نفری ساندویچ آماده کرده‌اند. علاوه بر این، در این مدت برای حافظان امنیت در گشت شبانه، هر بار پنجاه پرس ساندویچ تهیه می‌کنند. به گفته خاوری، برای تهیه این ساندویچ هفت نفر به صورت ثابت همکاری می‌کنند و شش نفری هم از بانوان محله برای کمک، ساعتی از وقتشان را در مسجد می‌گذرانند. پول این کار خیر را هم خیران و نمازگزاران مسجد پرداخت می‌کنند.

● ۱۱ ساعت خاطره‌انگیز

زهرا موسوی بانوی بسیجی مسجد پنج تن^(۴) است. او هم یکی از



محبوبه فرامرزی | مقابل مسجد پنج تن^(۴) جمعیت زیادی ایستاده‌اند. آن قدر تعدادشان زیاد است که صدای شعار دانشان تا چند خیابان آن طرف تر هم می‌رسد. آرام آرام به تعداد شرکت‌کنندگان در تجمع افزوده می‌شود. ساعت ۹ شب رانشان می‌دهد. جمعیت در حالی که شعار می‌دهند، به سمت خیابان کوهسنگی به راه می‌افتند و پرچم چرخان مقابل مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی می‌ایستند. دقایقی بعد، سینی‌های ساندویچ روی هوا دست به دست می‌شود. تعدادی از آن‌ها به آقایان و تعدادی به بانوان سپرده می‌شود تا بین جمعیت توزیع شود. این پذیرایی حاصل تلاش بانوان بسیجی پایگاه شهید مصطفی زاده مسجد پنج تن^(۴) است.

● ایده‌هایی برای رونق تجمعات

معاون فرهنگی مسجد پنج تن^(۴) درباره اجتماعات محله بهشتی می‌گوید: بعد از شهادت قائد امت اسلامی، نمازگزاران مسجد و اهالی محله بهشتی هم مانند همه مردم در محلات و شهرهای دیگر به خیابان آمدند. فهیمه خاوری ادامه می‌دهد: بنا بر تصمیم هیئت امنای مساجد محله، قرار شد اجتماع، اول جلو مسجد برگزار شود، سپس جمعیت به خیابان کوهسنگی مقابل مؤسسه جوانان آستان قدس برود. از روز سوم این اتفاق رخ داد. به مرور در جلسات پایگاه بسیج، ایده‌هایی برای پررونق شدن این تجمعات مطرح شد. بالاخره به این

نوجوان محله طرق ۵ نفر از رفیقانش را در مسجد آموزش داد

کلاس مکبری برای هم محله‌ای‌ها

یادشان دادم که چطور باید مکبر خوبی باشند. حتی برای بار اول کنارشان ایستادم تا استرس کمتری داشته باشند. حالیکه لیست پنج نفره از بچه‌های مکبر دارم که به نوبت مکبری می‌کنند.

● از فعالیت‌های دیگر در مسجد بگو.

از دو سال قبل به کمک بچه‌های مسجد، موبکی به راه انداخته‌ایم که در آن، در همه اعیان‌داری‌ها نذری توزیع می‌کنیم. این موبک را بچه‌ها اداره کرده و بزرگ‌ترها در جمع‌آوری نذورات کمکمان می‌کنند. همه اهالی محله به ما لطف دارند و حتی کسبه به ما تخفیف می‌دهند. در گروه سرود مسجد هم عضو هستیم. گروهمان در مراسم مسجد برنامه اجرایی کند.

● تا حالا شده است در هزینه‌ها و توزیع نذری کسری داشته باشید؟

شکر خدا تا به حال نه در هزینه‌ها و نه در توزیع کم نیامورده‌ایم. به نظرم این عنایت‌نامه^(۵) به ما بچه‌هاست.

● دوست داری برای محله‌ها کاری انجام بدهی؟

تا حالا توانسته‌ام بیست سوره کوچک قرآن را حفظ کنم. در ریاط طرق کلاس‌های حفظ قرآن نداریم و دوست دارم زمانی که حافظ قرآن شدم، کلاس‌های حفظ قرآن را در محله‌ام برپا کنم؛ بدین شکل دختران و پسرانی که می‌خواهند در این مسیر قدم بگذارند، بدون دغدغه رفت و آمد و هزینه‌ها به آنچه علاقه دارند، می‌پردازند.



راگفتم و نمازگزاران به سجده رفتند. در حالی که امام جماعت هنوز رکوع را تمام نکرده بود. امام جماعت نماز را شکست و گفت دوباره نماز بخوانیم.

● در مکبری چه چیز اهمیت دارد؟

دقت و هماهنگی با امام جماعت بسیار مهم است. مردان وقت نماز امام جماعت را می‌بینند، اما بانوان به خاطر اینکه از طریق مکبر با امام جماعت هماهنگ می‌شوند، باید در بیان ذکرها دقت کرد. در صورتی که دیرتر یا زودتر ذکر را بگویم، نمازشان اشتباه می‌شود.

● در این مدت چه تأثیری روی هم‌سن و سال‌هایت داشته‌ای؟

چند نفر از دوستان و بچه‌های محله به مکبری علاقه مند شدند. برای آن‌ها آموزش گذاشتم و

سمیرا منشادی | حسین محمدی اول چهارده سال دارد و از چهار سال قبل، مکبر مسجد امام رضا^(۶) در ریاط طرق شده است. او علاوه بر مکبری، در فعالیت‌های مسجد نیز حضور دارد و همراه خانواده در اجتماعات شبانه محله شرکت می‌کند. آشنایی او با مسجد از کودکی و به واسطه پدرش شکل گرفته است؛ پدری که از نمازگزاران مسجد بوده و زمینه ارتباط او با فضای مسجد را فراهم کرده است.

حسین در حال حاضر در کلاس‌های روخوانی، روان‌خوانی و تجوید قرآن شرکت می‌کند و هدفش حفظ قرآن است. همچنین قصد دارد در آینده، کلاس‌های حفظ را در ریاط طرق برگزار کند تا علاقه‌مندان بتوانند بدون نیاز به رفت و آمد به دیگر محله‌ها در این مسیر شرکت کنند.

● چه کسی تو را با مسجد آشنا کرد؟

پدرم از نمازگزاران مسجد محله‌مان است. هر روز که برای اقامه نماز می‌رفت، مرا هم با خودش می‌برد. این طور بود که با نمازگزاران و محیط مسجد آشنا شدم.

● چطور مکبر شدی؟

با مکبر قدیمی مسجد تمرین می‌کردم. بعد از مدتی آنچه را می‌گفت، حفظ شده بودم. کلاس چهارم دبستان بودم که خادم مسجد دستم را گرفت و گفت: «امروز مکبر باش.» خیلی استرس داشتم، اما او به من اطمینان داد که از عهده این کار برمی‌آیم.

● تا حالا اشتباه هم کردی؟

یک بار آن هم همان اوایل، زودتر از امام جماعت، ذکر رفتن به سجده

امید محله